

مقاله پژوهشی

اصیل

Original

Article

رابطه بین پایگاه‌های هویت و فرار دختران از خانه

حسین شاره*، دکتر حمیدرضا آقا محمدیان**

چکیده

مقدمه: نظر به اهمیت فرار دختران جوان از منزل و پیامدهای اجتماعی و خانوادگی آن، در پژوهش حاضر به بررسی رابطه پایگاه هویت و فرار دختران از منزل پرداخته شده است.

روش: روش پژوهش توصیفی- پس‌رویدادی بود. نمونه‌گیری به روش در دسترس و شامل ۲۰ نفر از دختران فراری ساکن در مرکز بهزیستی طوس شهر مشهد بود. هم‌چنین ۲۰ نفر از دختران عادی که از نظر سن و تحصیلات با آنها هم‌تا شده بودند به عنوان گروه گواه انتخاب شدند. میانگین سن آنها ۱۶/۹ سال (انحراف معیار ۲/۸۸) بود. پایگاه هویت به وسیله دومین نسخه تجدیدنظر شده آزمون گسترش یافته عینی پایگاه هویت سنجیده شد. داده‌ها به کمک آزمون t ، ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای، همبستگی پیرسون و همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن تحلیل گردیدند.

یافته‌ها: میانگین نمرات پایگاه هویت پراکنده‌گی در دختران فراری به‌طور معنی‌داری بالاتر از میانگین این پایگاه هویت در دختران عادی بود ($p < 0/01$). هم‌چنین ارتباط بین سن و پایگاه هویت ممانعت، معنی‌دار بود ($p < 0/05$).

نتیجه‌گیری: هرچه فرد کمتر بحران هویت را تجربه کرده باشد و به تعهد کمتری رسیده باشد بیشتر احتمال دارد که اقدام به فرار از خانه نماید.

کلیدواژه: دختران فراری، هویت، پایگاه هویت

مقدمه

پدیده فرار از منزل به‌ویژه در دختران نوجوان از پدیده‌های مهم مورد بررسی توسط روانشناسان، جامعه‌شناسان، روانپزشکان و مربیان تربیتی است و متغیرهای زیادی در ارتباط با آن شناخته شده‌اند (دی‌مان، ۲۰۰۰). ولی بیشتر بررسی‌ها پیرامون مسایل شخصیتی و خانوادگی مؤثر در این پدیده انجام شده و به نقش پایگاه هویت^۳ که از اهمیت

برآورد می‌شود که نزدیک به ۲٪ کودکان ۱۲ تا ۱۸ ساله، سالانه از خانه فرار می‌کنند (ادلبروک^۱، ۱۹۸۰، به نقل از دی‌مان^۲، ۲۰۰۰). به‌طور متوسط روزانه ۴۹ مورد فرار از منزل به مرکز ساماندهی کودکان و نوجوانان فراری وابسته به شهرداری تهران گزارش می‌شود (برزگر، ۱۳۸۲).

* دانشجوی دکترای روانشناسی بالینی، تهران، خیابان ستارخان، خیابان نیاش، کوچه شهید منصوری، انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت

E-mail: hsharreh@yahoo.com

روان. دورنگار: ۰۶۶۵۰۶۸۵۳-۲۱ (نویسنده مسئول).

** دکترای تخصصی روانشناسی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد.

“دستیابی” به هویت از نظر رشدی پیشرفته‌ترین پایگاه هویت است که در آن فرد دوره‌ای از جستجوی هویت را پشت سر گذاشته و تعهدهای تعریف شده‌ای را در خود ایجاد کرده است (کروگر^{۳۳}، ۱۹۹۶). پایگاه “تعلیق”، پیش در آمدی به دستیابی هویت است که در آن فرد در حال گذراندن دوره‌ای از جستجو یا بحران است ولی هنوز به تعهد مشخصی دست نیافته است. در “پایگاه ممانعت” افراد بدون گذراندن بحران هویت تعهدهای نیرومندی را بر پایه همانندسازی به‌ویژه با والدین پدید می‌آورند (همان جا). “پراکندگی” هویت از نظر رشدی دارای کمترین پیشرفت است که در آن فرد نه دارای تعهد روشنی است و نه در حال تجربه بحران هویت می‌باشد (همان جا).

بر پایه الگوی پایگاه هویت، با تحول فرد از کودکی به بزرگسالی از میزان پایگاه‌های هویت پراکندگی و ممانعت کاسته می‌شود و فرد به‌سوی پایگاه دستیابی پیش می‌رود (مئوس، ایدما^{۳۴}، هلسن^{۳۵} و ولبرگ^{۳۶}، ۱۹۹۹). پایگاه تعلیق با جستجوی فعال، اضطراب و انگیزه برای تغییر همراه است در حالی که پایگاه پراکندگی نشانگر عدم تفکر و برنامه برای دیدگاه‌های مثبت به آینده است (دانکل^{۳۷}، ۲۰۰۰).

بررسی‌ها نشان داده‌اند که شکل‌گیری موفق هویت با سلامت روانشناختی ارتباط دارد (اریکسون، ۱۹۶۳، به نقل از ولی‌اوراس^{۳۸} و بوسما^{۳۹}، ۲۰۰۵). سطح پایین سلامت روانشناختی باعث رشد آهسته‌تر در فرآیند شکل‌گیری هویت می‌شود. افزون بر آن، بررسی‌های طولی بیانگر ارتباط بیشتر پایگاه‌های ممانعت و دستیابی با سلامت روانشناختی‌اند

زیادی در نوجوانی برخوردار است، کمتر پرداخته شده است. هویت^۱ نقش اجتماعی فرد و ادراک وی از آن است (کرسینی^۲، ۱۹۹۹). اریکسون^۳ (۱۹۷۷)، هویت را احساس همانندی، تداوم، یکتایی و استقلال فردی می‌داند که از باور وی در زمینه هدف‌ها، ارزش‌ها و تصویر بدنی‌اش سرچشمه می‌گیرد. مفهوم هویت در نوشته‌های فروید، اریکسون و در نظریه عملکردی تجربی ماریسا^۴ تا نظریه‌های گوناگونی که از سال ۱۹۸۷ توسط برزونسکی^۵، گروتوانت^۶، واترمن^۷، کورتینز^۸، آدامز^۹ و کوته^{۱۰} در زمینه بحران هویت، ارایه شده، مورد توجه بوده است (شوارتز^{۱۱}، ۲۰۰۱). در میان این نظریات، نظریه اریکسون و ماریسا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. اریکسون نخستین روانشناسی است که ایجاد هویت را به‌عنوان مهمترین پیشرفت شخصیت در دوره نوجوانی مطرح کرده و آن را گامی اساسی در راستای رسیدن به بزرگسالی شادمانه و مولد شناخته است. الگوی پایگاه هویت ماریسا (۱۹۶۶)، به‌نقل از مئوس^{۱۲} (۱۹۹۶) بیشتر بر پایه نظریه اریکسون در رابطه با شکل‌گیری هویت در نوجوانان است. او چهار سطح جداگانه در رشد هویت من^{۱۳} پیشنهاد کرده است که عبارتند از: ۱- دستیابی^{۱۴}، ۲- تعلیق^{۱۵}، ۳- ممانعت^{۱۶} و ۴- پراکندگی^{۱۷}. این چهار پایگاه براساس دو روند بحران و تعهد (بیشاپ^{۱۸}، ماسی-لوئیس^{۱۹}، شنکلوت^{۲۰}، پوسولا^{۲۱} و استروسول^{۲۲}، ۱۹۹۷) شکل گرفته‌اند. بحران یا جستجوی هویت، دوره‌ای است که در آن فرد در زمینه تقلیدها، همانندسازی‌های گذشته، چشم‌داشت‌ها، نقش‌ها و سنن اجتماعی پرسشگری می‌کند (کارور^{۲۳} و شی‌یر^{۲۴}، ۱۹۹۶؛ بیشاپ و همکاران، ۱۹۹۷). بحران هویت با مجموعه‌ای از علائم مانند نوساناتی در توان ایگو، سرکشی، نوسان‌های خلقی و بالا رفتن شکایت‌های بدنی ارتباط دارد (کیدول^{۲۵}، دانهام^{۲۶}، باجو^{۲۷}، پاستوین^{۲۸} و پورتر^{۲۹}، ۱۹۹۵). تعهد، رابطه مثبتی با تصمیم‌گیری و مقابله مسأله‌مدار و رابطه منفی با مسامحه‌کاری، دلیل تراشی، جهت‌گیری‌های نامربوط و گرایش به تجربه هراس پیش از تصمیم‌گیری و کمرویی‌های عمومی دارد (برزونسکی و فراری^{۳۰}، ۱۹۹۶؛ برزونسکی، ماسک^{۳۱} و نورمی^{۳۲}، ۲۰۰۳). افراد می‌توانند از تعهد به‌عنوان یک چهارچوب مرجع برای ارزیابی و تنظیم رفتارهای خود بهره‌گیرند (بریگمن، ۱۹۸۷؛ نورمی، ۱۹۹۱؛ به نقل از برزونسکی و همکاران، ۲۰۰۳).

1- identity	2- Corsini
3- Erikson	4- Marcia
5- Berzonsky	6- Grotevant
7- Waterman	8- Kurtines
9- Adams	10- Cote
11- Schwartz	12- Meeus
13- ego identity	14- achievement
15- moratorium	16- foreclosure
17- diffusion	18- Bishop
19- Macy-Lewis	20- Schneklloth
21- Puswella	22- Struessel
23- Carver	24- Scheier
25- Kidwell	26- Dunham
27- Bacho	28- Pastovin
29- Portes	30- Ferrari
31- Macek	32- Nourmi
33- Kroger	34- Iedema
35- Helsen	36- Vollebrgh
37- Dunkel	38- Vleioras
39- Bosma	

تحصیلات (ابتدایی تا دیپلم) با دختران فراری هم‌تا شده بودند، به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها به کمک دومین نسخه تجدیدنظرشده "آزمون گسترش یافته عینی پایگاه هویت من" (EOM-EIS-II)^۵ که دارای ۶۴ پرسش است انجام شد. این آزمون کاغذ-مدادی بر پایه یک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ساخته شده، برای نخستین بار برای سنجش پایگاه هویت توسط ماریسا در سال ۱۹۲۴ اعتباریابی شد (آدامز، ۱۹۹۹). نمره‌گذاری بر پایه یک مقیاس لیکرت شش درجه‌ای و به‌طور جداگانه برای هر خرده‌مقیاس محاسبه می‌شود. ضریب پایایی^۶ مجموع آزمون ۰/۷۸ است (همان‌جا). شوارتز (۲۰۰۴) در بررسی روایی سازه^۷ این آزمون نشان داد که مقیاس چند ابزاری واسطه‌ای شخصیت^۸، پایگاه هویت پراکنندگی را از سایر پایگاه‌های هویت در آزمون EOM-EIS-II متمایز می‌سازد. شیخ روحانی (۱۳۷۸) در بررسی روایی آزمون، همبستگی متوسطی را بین ماده‌های خرده‌مقیاس‌های آن گزارش نمود. میانگین همبستگی بین ماده‌های خرده‌مقیاس‌های آزمون در بعد ایدئولوژیک و بین فردی برای پایگاه هویت دستیابی از ۰/۲۶ تا ۰/۳۲، برای پایگاه هویت تعلیق از ۰/۲۱ تا ۰/۳۲، برای پایگاه هویت ممانعت از ۰/۳۳ تا ۰/۴۰ و برای پایگاه هویت پراکنندگی از ۰/۳۶ تا ۰/۳۷ بود. هم‌چنین در ارزیابی پایایی نسخه فارسی آزمون، ضرایب آلفای کرونباخ به شیوه همسانی درونی برای پایگاه هویت دستیابی از ۰/۵۸ تا ۰/۶۸، برای پایگاه هویت تعلیق از ۰/۴۰ تا ۰/۶۱، برای پایگاه هویت ممانعت از ۰/۶۵ تا ۰/۷۱ و برای پایگاه هویت پراکنندگی از ۰/۶۶ تا ۰/۷۳ گزارش شد. تحلیل داده‌ها به کمک آزمون آماری t، ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای، ضریب همبستگی پیرسون و ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن انجام شد.

یافته‌ها

با توجه به این که دو گروه از نظر برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی هم‌تاسازی شده بودند، میانگین میزان تحصیلات و سن دختران عادی و فراری یکسان بود. میانگین سن آنها ۱۶/۹ سال (انحراف معیار ۲/۸۸) بود. سطح

(متوس و همکاران، ۱۹۹۹). انعطاف‌پذیری ایگو^۱، گشودگی به تجربه^۲، عزت نفس و بازنگری خود^۳ از عوامل شخصیتی مؤثر در رشد هویت هستند (گروتوانت، ۱۹۷۸، به نقل از کرامر^۴، ۲۰۰۰).

یک پژوهش در ایران (غرایبی، عاطف‌وحید، دژکام و محمدیان، ۱۳۸۴) نشان داد که نوجوانان تهرانی بیشتر در پایگاه هویت ایدئولوژیکی و بین‌فردی تعلیق و پراکنندگی و کمتر در پایگاه اکتساب قرار دارند. هم‌چنین این بررسی نشان داد افرادی که به حل بحران هویت یا رسیدن به تعهد نایل می‌شوند (هویت اکتساب)، معمولاً توانایی حل مسأله بهتری دارند. افزون بر آن، راهبردهای مقابله‌ای کنارنیامدن، نادیده‌گرفتن مشکل و کاهش تنش در نوجوانان با پایگاه هویت پراکنندگی دیده می‌شود.

در پایان دوره نوجوانی یک بحران هویت روی می‌دهد که اریکسون آن را بهنجار می‌خواند، اما ناتوانی برای کنار آمدن با این بحران، نابهنجار به‌شمار می‌رود، چرا که نوجوان را از داشتن یک هویت نیرومند محروم می‌سازد. شخص به سردرگمی هویت یا آشفتگی نقش مبتلا می‌گردد که خود را به‌صورت اختلال‌های رفتاری مانند بزهکاری و فرار از منزل نشان می‌دهد (کاپلان، سادوک و گرب، ۱۳۷۵). از آن‌جا که کمتر به بررسی پایگاه هویت در دختران فراری پرداخته شده، بررسی حاضر با هدف مقایسه نوع پایگاه‌های هویت در دختران عادی و فراری و بررسی ارتباط فرار با پایگاه‌های هویت انجام شد تا نقش احتمالی پایگاه‌های هویت در فرار دختران از منزل شناخته شود. اهمیت این پژوهش افزون بر جنبه اجتماعی آن، از نظر بالینی نیز مورد توجه است (ماریسا، ۱۹۸۷).

فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند از: ۱- پایگاه‌های هویت دختران عادی و دختران فراری با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند و ۲- بین فرار و پایگاه‌های هویت رابطه معنی‌دار وجود دارد.

روش

این پژوهش در چهارچوب یک بررسی پس‌رویدادی انجام شد. در این پژوهش ۲۰ نفر از دختران فراری ساکن در مرکز بهزیستی طوس شهر مشهد به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ۲۰ نفر از دختران عادی جمعیت عمومی این شهرستان نیز که از نظر سن (۲۰-۱۵ ساله) و سطح

1- ego-resilience
2- openness to experience
3- self-monitoring
4- Cramer
5- Extended Objective Measure of Ego Identity Status II
6- reliability
7- construct validity
8- Multi-Measure Agentic Personality Scale

بحث

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین فرار و پایگاه‌های هویت با مقایسه پایگاه‌های هویت دختران عادی با فراری و هم‌چنین بررسی ضریب همبستگی بین فرار از منزل با هر یک از پایگاه‌های هویت بود. میانگین نمره‌های پایگاه هویت پراکندگی در دختران فراری به‌طور معنی‌داری بالاتر از گروه دختران عادی بود، بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید گردید. هم‌چنین در تأیید فرضیه دوم پژوهش، رابطه معنی‌داری بین فرار و پایگاه هویت پراکندگی به‌دست آمد. برای تبیین این یافته‌ها شاید بتوان گفت که چون آزمودنی‌های دارای پایگاه هویت پراکندگی با بحران هویت روبه‌رو نمی‌شوند، بنابراین به تعهد نمی‌رسند (مارسیا، ۱۹۸۷)، در زندگی هیچ هدف و برنامه‌ای ندارند و به دلیل نداشتن سپر دفاعی تعهد در معرض جذبه‌های بیرونی قرار می‌گیرند و بیشتر از خانواده‌گریزان می‌شوند. هم‌چنین این یافته‌ها با نظرات مارسیا (همان‌جا)، مبنی بر داشتن یک رویکرد آشفته و یا دلبستگی نداشتن به موضوع‌های ایدئولوژیک و هم‌چنین نداشتن تعهد از سوی افراد دارای پایگاه هویت پراکندگی، هم‌خوانی دارد. این یافته را می‌توان با آن‌چه که کارور و شی‌یر (۱۹۹۶)، بیان می‌کنند نیز هم‌خوان دانست. فرار از خانه در بیشتر موارد در سنین نوجوانی رخ می‌دهد. کارور و شی‌یر (همان‌جا) بر این باورند کسانی که در سن نسبتاً پایین از خانواده بیگانه می‌شوند، نمی‌توانند به‌خوبی با بحران‌های روانی روبه‌رو شوند و توان حل بحران را در خود ایجاد کنند، از این رو دارای منابع درونی‌ای نخواهند بود که برای تردید در هویت و جستجوی جایگزین‌ها نیاز است. افزون بر آن، آنها با گریز از خانه و دور شدن از والدین، از الگوهای نقشی که به آسانی در دسترس افراد پایگاه ممانعت است، برخوردار نیستند؛ بنابراین نه بحران و تردیدی برای هویت دارند و نه تعهدی؛ نتیجه این وضعیت پایگاه هویت پراکندگی است. به بیان دیگر، فرار از خانه در نوجوانی خود می‌تواند به پراکندگی هویت بینجامد و بر مشکلات فرد بیفزاید.

یافته‌های پژوهش هم‌چنین نشان داد که بین سن دختران فراری و پایگاه هویت ممانعت ارتباط وجود دارد. این یافته با الگوی پایگاه هویت، که در آن با تحول فرد از کودکی به بزرگسالی، از میزان پایگاه‌های هویت پراکندگی و ممانعت کاسته می‌شود و فرد به سمت پایگاه هویت دستیابی پیش می‌رود (مئوس و همکاران، ۱۹۹۹)، متناقض است. با توجه به این که افراد پایگاه هویت ممانعت بدون گذراندن بحران

تحصیلات هر دو گروه از ابتدایی تا دیپلم و بیشترین فراوانی در مقطع تحصیلی دوم راهنمایی (۲۸/۶٪) بود.

برای بررسی فرضیه نخست پژوهش، آزمون آماری t برای گروه‌های مستقل نشان داد که میانگین نمره‌های پایگاه هویت پراکندگی آزمودنی‌های گروه دختران فراری با میانگین نمره‌های گروه دختران عادی تفاوت معنی‌دار دارد ($p < 0/01$)، $t = 3/38$ و این میانگین در گروه دختران فراری بسیار بالاتر است. بین میانگین نمره‌های پایگاه‌های هویت دستیابی، تعلیق و ممانعت در گروه‌های دختران عادی و فراری تفاوت معنی‌داری دیده نشد (جدول ۱).

یافته‌های پژوهش فرضیه دوم را مبنی بر ارتباط معنی‌دار میان فرار و پایگاه‌های هویت تأیید نمود. ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای بین فرار و پایگاه‌های هویت، رابطه معنی‌دار مثبت میان فرار و پایگاه هویت پراکندگی ($r = 0/47$, $p < 0/01$) نشان داد. ضریب همبستگی پایگاه‌های هویت دستیابی، تعلیق و ممانعت با فرار به ترتیب $0/03$ ، $0/05$ و $0/26$ به‌دست آمد. این یافته با یافته‌های به‌دست آمده از آزمون t نمونه‌های مستقل هم‌خوان است که نشان داد هر چه فرد کمتر بحران هویت را که مرحله‌ای اساسی در شکل‌گیری هویت فرد است، تجربه کند و به تعهد کمتری رسیده باشد، احتمال این که از خانه فرار کند بیشتر است.

بررسی ارتباط میان پایگاه‌های هویت با سن و سطح تحصیلات در هر دو گروه دختران عادی و فراری به کمک ضریب همبستگی پیرسون گویای همبستگی معنی‌دار مثبت میان سن دختران فراری و هویت ممانعت بود ($p < 0/05$)، $r = 0/49$. ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن میان رشد تحصیلی و پایگاه‌های هویت رابطه معنی‌داری را در هیچ‌یک از گروه‌ها نشان نداد.

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار و نتایج آزمون t نمونه‌های مستقل دو گروه دختران فراری ($n=20$) و عادی ($n=20$) بر حسب پایگاه‌های هویت

پایگاه هویت	دختران فراری		نمره t
	میانگین (انحراف معیار)	دختران عادی میانگین (انحراف معیار)	
دستیابی	۶۸/۵۰ (۱۰/۵۹)	۶۹/۲۰ (۹/۷۷)	-۰/۲۱
تعلیق	۷۰/۴۵ (۹/۶۸)	۶۹/۳۵ (۹/۹۴)	۰/۳۵
ممانعت	۶۵/۵۵ (۱۰/۶۲)	۶۰/۱۵ (۹/۱۷)	۱/۷۲
پراکندگی	۶۹/۲۵ (۱۲/۷۱)	۵۵/۸۵ (۱۲/۳۸)	۳/۳۸*

* $p < 0/01$

هویت تعهدهای نیرومندی را بر پایه تقلید و همانندسازی پدید می‌آورند، شاید بتوان این یافته را چنین تفسیر نمود که با بالارفتن سن، دختران فراری نه تنها هیچ بحران هویتی را تجربه نمی‌کنند، بلکه در باورهای خود راسخ‌تر شده و از هر نوع جستجوی جدی پرهیز می‌کنند؛ زیرا بر میزان پیروی آنها از نقش‌های از پیش تعیین شده افزوده می‌شود. به بیان دیگر، دختران فراری با بالارفتن سن نفوذناپذیرتر و آسیب‌پذیرتر شده، به‌خاطر ترس از طردشدن و از دست دادن تأیید دیگران از تصمیم‌گیری خودداری می‌کنند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که شکل‌گیری هویت، عاملی مهم در دوره نوجوانی است که تحت تأثیر عوامل چندی قرار دارد. چنان‌چه به هر دلیلی فرد به هویت نیرومندی دست نیابد، در جستجوی دستیابی به یک هویت کاذب و تجربه موقعیت‌های پرخطر بیرون از خانه خواهد بود؛ بنابراین توجه به این امر در نوجوانان از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این رو برای پیش‌گیری از فرار دختران از منزل باید آموزش‌های لازم به والدین، آموزگاران و سایر دست‌اندرکاران در زمینه فراهم‌سازی شرایط پرورش و رشد هویت مهیا گردد. شمار کم آزمودنی‌ها و روش نمونه‌گیری در دسترس، تعمیم یافته‌های این پژوهش را محدود می‌سازد. هم‌چنین نبود امکان هم‌تاسازی دو گروه از نظر سایر متغیرهای مداخله‌گر از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده آزمودنی‌های دو گروه تا حد ممکن با هم هم‌تاسازی شوند و شمار آزمودنی‌ها افزایش یابد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از مسئولین محترم بهزیستی مشهد و گروه روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد به‌خاطر همکاری‌ها و راهنمایی‌های ارزشمندشان قدردانی می‌شود.

دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۴/۷؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۵/۵/۱۸؛

پذیرش مقاله: ۱۳۸۵/۵/۲۵

منابع

- کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنیامین؛ گرب، جک (۱۳۷۵). *خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری-روانپزشکی بالینی*. ترجمه: نصرت... پورافکاری. انتشارات شهرآب.
- غزایی، بنفشه؛ عاطف‌وحید، محمدکاظم؛ دژکام، محمود؛ محمدیان، مهرداد (۱۳۸۴). راهبردهای مدارای نوجوانان تهرانی در وضعیت‌های مختلف هویتی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۲۵-۱۳۹.
- Adams, G. R. (1999). *The objective measure of ego identity status: A manual on theory and test construction*. Canada: University of Guelph.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.
- Berzonsky, M. D., Macek, P., & Nourmi, J. E. (2003). Interrelationships among identity process, content, and structure: A cross-cultural investigation. *Journal of Adolescent Research*, 18, 112-130.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, R. J. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20, 597-606.
- Bishop, D. L., Macy-Lewis, J. A., Schnekloth, C. A., Puswella, S., & Struessel, G. L. (1997). Ego identity status and reported alcohol consumption: A study of first year college students. *Journal of Adolescence*, 20, 209-218.
- Carver, C. S., & Scheier, M. (1996). *Perspective on personality*. Boston: Allyn and Bacon.
- Corsini, R. J. (1999). *The dictionary of psychology*. New York: Brunner/Mazel.
- Cramer, P. (2000). Development of identity: Gender makes a difference. *Journal of Research in Personality*, 34, 42-72.
- De Man, A. F. (2000). Predictors of adolescent running away behavior. *Social Behavior and Personality*, 28, 261-268.
- Dunkel, C. S. (2000). Possible selves as a mechanism for identity exploration. *Journal of Adolescence*, 23, 519-529.
- Erikson, E. H. (1977). *Childhood and society*. New York: Triad/Paladin.
- Kidwell, J. S., Dunham, R. M., Bacho, R. A., Pastovin, E., & Portes, P. R. (1995). Adolescent identity exploration: A test of Erikson's theory of transactional crisis. *Journal of Adolescence*, 30, 785-793.
- Kroger, J. (1996). *Identity in adolescence, the balance between self and others*. New York: Routledge.

برزگر، صادق (۱۳۸۲). *فرار دختران*. قم: نشر جمال.

شیخ روحانی، سعید (۱۳۷۸). *مقایسه اضطراب در پایگاه‌های هویت در دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و روانشناسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

- Marcia, J. E. (1987). *Identity status approach to the study of ego identity development*. In T. Honess & K. Yardley (Eds.), *Self and identity-perspective across the life span*. New York: Routledge & Kegan Paul.
- Meeus, W. (1996). Studies on identity development in adolescence: An overview of research and some new data. *Journal of Youth and Adolescence*, 25, 569-598.
- Meeus, W., Iedema, J., Helsen, M., & Vollebrgh, W. (1999). Patterns of adolescent identity development: Review of literature and longitudinal analysis. *Developmental Review*, 19, 419-461.
- Schwartz, S. J. (2001). The evolution of Eriksonian and neo-Eriksonian identity theory and research: A review and integration. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 1, 7-58.
- Schwartz, S. J. (2004). Brief report: Construct validity of two identity status measures: The EIPQ and the EOM-EIS-II. *Journal of Adolescence*, 27, 477-483.
- Vleioras, G., & Bosma, H. A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence*, 28, 397-409.